

بررسی اثر قاچاق کالا بر رشد  
اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۳

مینا جزمی<sup>۱</sup>، مسعود نیکوقدم<sup>۲</sup>

---

۱. دانش‌آموخته دانشگاه بجنورد / درجه کارشناسی ارشد اقتصاد minajazmi@yahoo.com

۲. استادیار اقتصاد دانشگاه بجنورد masoudnikooghadam@gmail.com

## چکیده

پدیده قاچاق کالا یکی از معضلات اساسی است که نظام اقتصادی اکثر کشورها را در عصر حاضر با چالش مواجه نموده و به مشکلی بزرگ به ویژه در کشورهای درحال- توسعه تبدیل شده است. رواج قاچاق و روند رو به رشد آن، در نتیجه نارسایی‌های گوناگون به ویژه در حوزه اقتصاد بوده و از سرچشمه‌های آن است، در واقع اقتصاد و قاچاق بر یکدیگر اثر متقابلی دارند. با این وصف، قاچاق کالا می‌تواند تأثیر مخربی بر جریان اقتصاد ملی و رشد اقتصادی بجا گذارد و مسیر اصلی اقتصاد را منحرف سازد. در حالی که اکثر مطالعات اقتصادی به جنبه‌های نظری قاچاق و تجزیه و تحلیل اثرات رفاهی آن پرداخته‌اند، تنها تعداد بسیار محدودی از مطالعات به صورت تجربی با این موضوع پیچیده برخورد کرده‌اند. در این مقاله که از نوع کاربردی نیز می‌باشد با طرح سؤال اصلی «قاچاق کالا چه تأثیری بر رشد اقتصادی کشور ایران دارد؟»، سعی گردیده است با استفاده از روش کمی و از طریق گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای پاسخ مناسبی به این سؤال اساسی ارائه گردد. به عبارت دیگر، مطالعه حاضر به بررسی اثر قاچاق کالا بر رشد اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۳ می‌پردازد. برای این منظور، با استفاده از یک الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین قاچاق کالا و رشد اقتصادی پرداخته شده است. نتایج حاکی از وجود رابطه منفی بین قاچاق کالا و رشد اقتصادی در کشور ایران طی هر دو الگو (کوتاه‌مدت و بلندمدت) است.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، رشد اقتصادی، الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL).

طبقه‌بندی JEL: O17, O41, E26, C87, C22.

## ۱. مقدمه

رشد اقتصادی یکی از اهداف عمده هر نظام اقتصادی است و برنامه‌ریزی برای نیل به این مهم منوط به شناخت عملکرد عمومی اقتصاد است. کیفیت این شناخت به صحت و سقم نظام اطلاعات اقتصادی و کارآمدی آن بستگی دارد. عملکرد عمومی اقتصاد به گونه‌ای است که در همه کشورها کمابیش برخی از فعالیت‌های اقتصادی به خاطر گریز از محدودیت‌های وضع شده در قوانین و مقررات کشور، به صورت پنهانی انجام می‌شود. تولید کالاها و خدمات در این گروه از فعالیت‌های مولد که اقتصاد زیرزمینی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود، به هر اندازه خارج از چارچوب مجموعه اطلاعات مربوط به عملکرد عمومی اقتصاد باشند، به نسبت حجمی که دارند می‌توانند موجب انحراف از تشخیص صحیح وضعیت و بنابراین اتخاذ سیاست‌های نادرست شوند (قلی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

اقتصاد زیرزمینی را می‌توان برحسب قوانین هر کشور به فعالیت‌های مختلفی تقسیم‌بندی نمود. اما به‌طور کلی فعالیت‌هایی نظیر قاچاق مواد مخدر، کالا و ارز، فعالیت‌های بزهکارانه مانند دزدی، کلاهبرداری، رانت‌خواری، رشوه، تخلف از قوانین تجاری، فحشا، قمار، فرار مالیاتی، تروریسم، قاچاق انسان و غیره نمونه‌هایی از فعالیت‌ها در حوزه اقتصاد زیرزمینی هستند که می‌توانند تأثیر نامطلوبی بر سیاست‌های اقتصادی، تخصیص منابع، رشد اقتصادی و غیره برجای گذارند. در این میان قاچاق کالا پدیده‌ای است فراگیر که همه کشورها کمابیش با آن مواجه هستند. به‌طور کلی رواج قاچاق و روند رو به رشد آن، در نتیجه نارسایی‌های گوناگون به‌ویژه در حوزه اقتصاد بوده و از سرچشمه‌های آن است، در واقع اقتصاد و قاچاق بر یکدیگر اثر متقابلی دارند (وطنپور، ۱۳۸۷: ۷۱).

رشد قاچاق کالا عواقب نامطلوبی بر عملکرد اقتصاد کلان، به‌ویژه بخش مالی دارد. با توجه به دشواری مشاهده و اندازه‌گیری قاچاق کالا، این امر موجب ارزیابی

---

۱. اقتصاد زیرزمینی همچنین به اقتصاد پنهان، اقتصاد سایه‌ای، اقتصاد غیرقانونی، اقتصاد غیرقابل مشاهده، اقتصاد غیر رسمی، اقتصاد موازی، اقتصاد سیاه و غیره معروف است.

غیرواقعی شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد و خانوارها می‌شود و به دلیل ماهیت پنهان آن، در آمارهای رسمی ثبت نمی‌شود و وجود آن موجب پنهان ماندن بخشی از عملکرد اقتصادی کشور خواهد شد. این امر می‌تواند کارایی سیاست‌های توزیعی و تخصیصی دولت را با چالش مواجه سازد. از سوی دیگر قاچاق باعث کاهش درآمدهای عمومی، تغییر ساختار داخلی یک جامعه از طریق ایجاد نهادهای داخلی قدرتمند غیر قانونی و تغییر الگوی مصرف جامعه نیز می‌شود (دومینگوئز<sup>۱</sup>، ۱۹۷۵: ۹۰). با این وصف، قاچاق کالا می‌تواند تأثیر مخربی بر جریان اقتصاد ملی و رشد اقتصادی بجا گذارد و مسیر اصلی اقتصاد را منحرف سازد.

قاچاق پدیده‌ای است که کم‌وبیش تمام کشورهای دنیا با آن مواجه هستند ولی وسعت و عمق آن در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. به طوری که در کشورهای در حال توسعه، قاچاق بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را در بر می‌گیرد (حاجی نژاد، ۱۳۷۹: ۱۵۶). از آنجاکه کشور ایران نیز در زمره کشورهای در حال توسعه است لذا این معضل به وضوح در ایران قابل مشاهده است. از طرفی کشور ایران دارای مرزهای جغرافیایی گسترده می‌باشد و نیز با توجه به این مسئله که یکی از مناطق مرزی و مهم خاورمیانه، مناطق مرزی ایران با کشورهای همسایه‌اش است و همچنین به دلیل اینکه همسایگان ایران دارای نظام تقریباً بی‌ثبات سیاسی و امنیتی هستند، لذا کشور ایران به شدت مستعد بروز پدیده قاچاق است. به طوری که طبق آمارهای سازمان مبارزه با قاچاق کالا و ارز کشور در سال ۱۳۹۲، به میزان ۸۹۲۱ میلیارد ریال کالای قاچاق در ایران کشف شده است (مطرانلویی، ۱۳۹۴: ۲). این آمار جایگاه نقش مخرب قاچاق کالا را در اقتصاد کشور مشخص می‌کند که همواره به عنوان یک معضل بزرگ اقتصادی مطرح بوده است.

از این رو شناخت هرچه بیشتر پدیده قاچاق کالا و توجه به آن می‌تواند نقش مهمی در عرصه‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کشور داشته باشد و عدم توجه به آن، موجب

بروز مسائل و مشکلات فراوانی شود. لذا مطالعه و تحقیق در مورد ابعاد مختلف این موضوع و به‌ویژه اثرات اقتصادی آن ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و قاچاق کالا در ایران است. برای این منظور، ساختار مقاله به‌صورت زیر تدوین شده است: در بخش دوم مقاله، تعدادی از مهمترین مطالعات انجام‌شده در این حوزه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بخش سوم، مبانی نظری و ساختار الگو ارائه می‌گردد. بخش چهارم به ارائه نتایج و تجزیه و تحلیل تجربی آن می‌پردازد و در نهایت، در بخش پنجم، نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاسی ارائه شده است.

## ۲. مروری بر مطالعات پیشین

در حالی که بخشی از مطالعات صورت گرفته در حوزه قاچاق به جنبه‌های نظری این پدیده و اثرات آن بر رفاه اجتماعی اختصاص داده شده است، در مورد بررسی تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد و رشد اقتصادی چه به صورت کیفی و چه به صورت کمی مطالعه‌ی قابل توجهی صورت نگرفته است. اما از آنجا که قاچاق بخشی از مجموعه عظیم اقتصاد غیر رسمی است، می‌توان به مطالعاتی اشاره داشت که رابطه بین اقتصاد غیر رسمی و رشد اقتصادی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و از این‌رو تا حدی قاچاق را به آن‌ها تعمیم داد.

### ۱-۲. اقتصاد غیررسمی و رشد اقتصادی

بر طبق مطالعه چن<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، حداقل سه مکتب فکری در مورد ارتباط بین اقتصاد رسمی و غیر رسمی وجود دارد: دوگانه‌گرایی<sup>۲</sup>، ساختارگرایی<sup>۳</sup>، قانون‌گرایی<sup>۴</sup>.

1. Chen
2. Dualism
3. Structuralism
4. Legalism

**مکتب فکری دوگانه‌گرایی:** طرفداران این مکتب استدلال می‌کنند که فعالیت‌های غیر رسمی ارتباط اندکی با بخش رسمی اقتصاد دارند و نسبتاً به عنوان یک بخش مجزا عمل می‌کنند. این رویکرد بر مبنای فرضیه نئوکلاسیکی شکل گرفته است که بیان می‌کند انعطاف ناپذیری در بخش رسمی که توسط قانون‌گذاری یا بر مبنای قرارداد اعمال می‌شود، منجر به تقسیم بازار به دو بخش رسمی و غیر رسمی می‌گردد (هریس و تودارو<sup>۱</sup>، ۱۹۷۰: ۱۳۰). فرضیه دوگانگی بیان می‌دارد که هر دو بخش از طریق فاکتورهای مشترکی که منجر به جریان یافتن کارگران و فعالیت‌ها از اقتصاد رسمی به اقتصاد سایه‌ای می‌شوند جانشین هم هستند.

**مکتب فکری ساختارگرایی:** ساختارگرایان بیان می‌کنند که بخش رسمی و غیررسمی ذاتاً به یکدیگر مرتبط هستند. تشکیلات اقتصادی رسمی، تولید و اشتغال بخش غیر رسمی را به وسیله مطیع کردن واحدهای اقتصادی و کارگران به منظور کاهش هزینه‌های خود، ترویج می‌کنند (چن، ۲۰۰۷). آن‌ها مدعی‌اند که هم مؤسسات اقتصادی و سرمایه‌گذاران رسمی و هم کارگران مزدبگیر غیر رسمی متمایل‌اند تا منافع ناشی از افزایش رقابت‌پذیری به واسطه حضور بخش غیر رسمی که فراهم آورنده‌ی کالاها و خدمات ارزان‌تر هستند را جمع‌آوری نمایند (موزر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸: ۱۰۵۱ و پورتس و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹). در نتیجه رشد اقتصاد رسمی، تولید غیر رسمی را کمک کرده و بالا می‌برد.

**مکتب فکری قانون‌گرایی:** صاحب نظران این مکتب توجه خود را به ارتباط بین فعالیت‌های غیر رسمی و محیط تنظیم شده و قاعده‌مند رسمی معطوف می‌کنند و نه به بنگاه‌های رسمی (چن، ۲۰۰۷). آن‌ها مدعی هستند آنچه مهم است این است که سرمایه‌دار علاقه‌مند است برای تعیین «قواعد رسمی بازی» با دولت تباری و سازش کند (دِ سوتو<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹: ۲۱).

1. Harris & Todaro
2. Moser
3. Portes et al
4. Formal rules of the game
5. de Soto

از سوی دیگر، به لحاظ تئوریکی بین اقتصاد سایه‌ای و رسمی دو نوع رابطه‌ی جانشینی و مکملی مطرح شده و به تبع آن تعامل بین آن‌ها نیز بر اساس اینکه کدام نوع از این روابط بر دیگری غلبه می‌کند مورد بحث قرار می‌گیرد. بر این مبنا سه رویکرد نظری قابل معرفی است:

در رویکرد اول که عموماً مربوط به نئوکلاسیک‌ها است، ادعا بر این است که اثرات مکملی بر اثرات جانشینی غلبه کرده و در نتیجه ارتباط متقابل و تعامل بین اقتصاد رسمی و سایه‌ای مثبت است. در نتیجه این فرض با مکتب ساختارگرایی هماهنگ است (پژویان و شهاب، ۱۳۹۴: ۶). در این ارتباط برخی از مطالعاتی که از فرضیه اثر سودمند اقتصاد غیر رسمی بر رشد و توسعه اقتصادی حمایت کرده‌اند عبارت‌اند از: آدام و گینس‌بورگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۵)، لوبل<sup>۲</sup> (۱۹۹۱)، گیلز<sup>۳</sup> (۱۹۹۹a، ۱۹۹۹b) آسیا<sup>۴</sup> (۱۹۹۶)، بهاتاچاریا<sup>۵</sup> (۱۹۹۹)، گیلز و تدز<sup>۶</sup> (۲۰۰۲)، انست<sup>۷</sup> (۲۰۰۳)، اشنايدر<sup>۸</sup> (۲۰۰۳)، تدز<sup>۹</sup> (۲۰۰۵)، باوی و دل‌آنو<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷)، اشنايدر و همنز<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۷)، میهای<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۸)، دل‌آنو (۲۰۰۸)، زمان و گاسچین<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۵) و ... .

در رویکرد دوم اعتقاد بر این است که اثرات جانشینی بر اثرات مکملی غلبه کرده و در نتیجه تعامل بین اقتصاد رسمی و اقتصاد غیر رسمی منفی خواهد بود. در این طیف بیشتر بر اثرات تخصیصی مخرب اقتصاد سایه‌ای بر طرف تقاضا و طرف عرضه تأکید می‌شود. طرفداران این دیدگاه مدعی هستند که گسترش فعالیت‌های

1. Adam & Ginsburg
2. Lubll
3. Giles
4. Asea
5. Bhattacharyya
6. Giles & Tedds
7. Enste
8. Schneider
9. Tedds
10. Bovi & Dell'Anno
11. Schneider & Hametner
12. Mihai
13. Zaman & Goschin

سایه‌ای در طرف عرضه سبب انحراف رقابت و سوء تخصیص منابع شده (دل‌آنو، ۲۰۰۸: ۲۱) و رقابت غیرمنصفانه و ناسالمی را بین بنگاه‌های رسمی و غیر رسمی به وجود می‌آورد (انست، ۲۰۰۳) و در طرف تقاضا به واسطه فقدان شفافیت ناشی از گسترش فعالیت‌های سایه‌ای و فقدان ساختار در آن، جریان‌ات صحیح اطلاعاتی را منحرف و مقایسه کارآمد کالاها و خدمات و جریان قیمت‌ها را مختل می‌سازد (اشنایدر، ۲۰۰۷: ۱۵). برخی<sup>۱</sup> معتقد هستند اقتصاد سایه‌ای در حال گسترش به فرسایش قابل ملاحظه پایه مالیاتی می‌انجامد که این امر به تدارک ضعیف‌تر زیرساخت‌ها و خدمات عمومی بنیادی منتهی شده و در نهایت به رشد رسمی پایین‌تر منجر می‌گردد (دل‌آنو، ۲۰۰۸).

در این ارتباط برخی از مطالعاتی که به رابطه منفی بین اقتصاد غیر رسمی و رشد اقتصادی دست یافته‌اند عبارت‌اند از: فری و ویک-هانمان<sup>۲</sup> (۱۹۸۴)، دِ سوتو (۱۹۸۹)، تورنهام و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۰)، توماس<sup>۴</sup> (۱۹۹۲)، لویزا<sup>۵</sup> (۱۹۹۶)، کافمن و کالبردا<sup>۶</sup> (۱۹۹۶)، جانسون و همکاران<sup>۷</sup> (۱۹۹۸، ۱۹۹۹)، ایهریگ و مو<sup>۸</sup> (۲۰۰۰، ۲۰۰۴)، فریدمن و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۰۰)، ایلات و زینس<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۰)، اوت<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۲)، دل‌آنو (۲۰۰۳)، ۲۰۰۷، دابلا-نوریس و فلتنستین<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۵)، چانگ و گراندستین<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۷)، دل‌آنو و همکاران (۲۰۰۷)، اشنایدر و همکاران<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۰)، مهربانی بشرآبادی و همکاران

1. Schneider & Klinglmair (2006), Giles (1997a, 1977b), Giles et al (2002)
2. Frey & Weck-Hanneman
3. Turnham et al
4. Thomas
5. Loayza
6. Kaufmann & Kaliberda
7. Johnson et al
8. Ihrig & Moe
9. Friedman et al
10. Eilat & Zinnes
11. Ott
12. Dabla-Norris & Feltenstein
13. Chong & Grandstein
14. Schneider et al



(۱۳۸۹)، اشنایدر و همنر (۲۰۱۴) و ... .

در نهایت، در رویکرد سوم و طبق نظر گالی و کوکرا<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) و اشنایدر (۲۰۰۵)، نوع تعامل بین اقتصاد غیر رسمی و رسمی، ذاتی تلقی نمی‌شود بلکه عقیده بر این است که مثبت یا منفی بودن این ارتباط و نحوه تعامل این دو بخش به درجه توسعه‌یافتگی کشور، فاکتورها و عوامل مرتبط با آن و دوره زمانی بستگی دارد. به عبارت دیگر، طرفداران این دیدگاه معتقد هستند که علامت همبستگی بین اقتصاد رسمی و غیر رسمی بر اساس درجه توسعه‌یافتگی کشورها بهتر قابل تعریف و شناسایی است. به عنوان مثال اشنایدر و کلینگ‌مایر<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که ۱ درصد افزایش در اقتصاد غیر رسمی منجر به کاهش ۰/۶ درصدی رشد اقتصادی سالانه در کشورهای در حال توسعه و افزایش ۰/۸ و ۱ درصدی به ترتیب در کشورهای در حال گذار و صنعتی می‌گردد. در کشورهای توسعه‌یافته که در آنها زیرساخت‌های اقتصادی به میزان مطلوب فراهم شده است و افراد و بنگاه‌ها در معرض بار بیش از حد مالیات و قانون‌گذاری قرار دارند، افزایش سطح اقتصاد سایه‌ای می‌تواند منجر به افزایش در بخش رسمی شود. زیرا در این حالت ارزش افزوده ایجاد شده و درآمدهای اضافی به دست آمده در بخش سایه‌ای، در بخش رسمی اقتصاد به کار گرفته خواهند شد. در طرف دیگر، در کشورهای در حال توسعه که زیرساخت‌های اقتصادی که نقش مهمی در رشد اقتصادی این کشورها دارد، افزایش بخش سایه‌ای اقتصاد در صورتی که جایگزین بخش رسمی شود، منجر به فرسایش و کاستی در پایه‌های مالیاتی می‌شود که نتیجه آن تولید کمتر بخش رسمی و نهایتاً رشد اقتصادی پایین‌تر خواهد بود (مهرابی‌بشرآبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۵)

### ۳. مبانی نظری و ساختار الگو

#### ۱-۳. تعریف قاچاق

به طور کلی و بر اساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز کشور، قاچاق کالا و ارز، هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد و در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.

#### ۲-۳. انواع قاچاق کالا

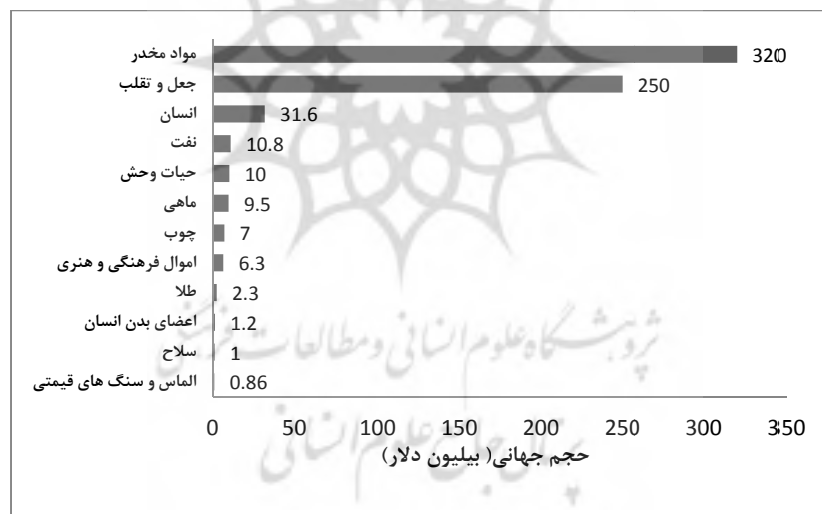
از دید صاحب نظران، تقسیم بندی های فراوانی از قاچاق وجود دارد مانند قاچاق کالا، ارز، مواد مخدر، انسان، خدمات و غیره که در این میان قاچاق کالا از مهمترین و گسترده ترین انواع قاچاق به شمار می رود. برخی از حقوق دانان قاچاق را در سه دسته تقسیم کرده اند: ۱. قاچاق محض، بدین معنا که قانون گذار فعل مجرمانه ای را صریحاً قاچاق دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است مانند اسلحه و مهمات. ۲. اعمال در حکم قاچاق که غیر مستقیم قاچاق تلقی شده اند مانند وارد کردن لباس هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است. ۳. قاچاق ناشی از تخلفات گمرکی، به مفهوم تخطی از ضوابط گمرک، نظیر اظهار خلاف واقع درباره مشخصات کالای وارداتی از سوی صاحب کالا (ولیدی، ۱۳۸۲: ۱۴).

برخی از محققان دیگر قاچاق را به سه نوع کلی اقتصادی نظیر کالاهای صنعتی، فرهنگی مانند آثار باستانی و انسانی مانند کودکان (جعفرزاده پور، ۱۳۸۱: ۲۵) و تعداد دیگری از آنها قاچاق را بر اساس ورود به کشور یا خروج از آن به دو نوع وارداتی و صادراتی تقسیم کرده اند. در قاچاق کالاهای وارداتی، اجناس (مانند لوازم لوکس) بدون رعایت مقررات اقتصادی وارد کشور می شود و در مقابل کالاهایی که عمدتاً از یارانه های دولتی برخوردار هستند به علت تفاوت قیمت داخلی و خارجی و یا فرار از پرداخت حقوق گمرکی، به آن سوی مرزها قاچاق می شود مانند فرآورده های نفتی. به

عنوان مثال آمارها حکایت از واردات ۲۵ تا ۳۰ میلیون دلاری کالا در سال ۱۳۹۲ از مبادی غیر رسمی به کشور ایران دارد که در این میان کشفیات قاچاق سوخت و فرآورده‌های نفتی با ارزش معادل ۱۸۸۹ میلیارد ریال در رتبه اول قرار دارد (مطرانلویی، ۱۳۹۴: ۱۳).

### ۳-۳. اندازه قاچاق در سراسر جهان

بر اساس گزارش «جرم‌های فراملی در کشورهای در حال توسعه»<sup>۱</sup> که توسط سازمان جهانی یکپارچگی مالی<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۱ انجام شده است، جریان جهانی تجارت غیر قانونی (به علت قاچاق)، در حدود ۶۵۰ بلیون دلار برآورد شده است که این میزان نشان‌دهنده‌ی حجم وسیع و نگران‌کننده قاچاق در سراسر جهان است. شکل ۱ خلاصه‌ای از بازارهای غیر قانونی و ارزش آن‌ها در سال ۲۰۱۱ را نشان می‌دهد.



شکل ۱. حجم جهانی قاچاق در سال ۲۰۱۱

منبع: هاکن<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)

### ۴-۳. علل قاچاق

عوامل متعددی بر پیدایش و گسترش قاچاق تأثیر اثرگذار است. از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به بار تعرفه و محدودیت‌های تجاری، بیکاری، حاکمیت قانون، فساد و وضعیت کسب و کار اشاره کرد.

**الف) بار تعرفه و محدودیت‌های تجاری:** در مواجهه با مالیات‌های بالای تجاری یا محدودیت‌ها، ممکن است تجار به راه‌های غیر قانونی تجارت مانند قاچاق و صدور صورت‌حساب‌های غلط صادراتی و وارداتی متوسل شوند. بخش بزرگی از ادبیات نظری و تجربی نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که مالیات‌ها و محدودیت‌ها می‌تواند منجر به غیرواقعی بودن برگ خریدها، قاچاق، رانت خواری و دیگر اشکال فعالیت‌های مستقیم بی‌بازده شود (بهاگواتی<sup>۱</sup>، ۱۹۶۴، بهاگواتی و هانسن<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳، بهاگواتی و سرینواسون<sup>۳</sup>، ۱۹۷۳، جانسون<sup>۴</sup>، ۱۹۷۴، کرونگر<sup>۵</sup>، ۱۹۷۴، شیخ<sup>۶</sup>، ۱۹۷۴، پیت<sup>۷</sup>، ۱۹۸۱ و انام<sup>۸</sup>، ۱۹۸۲).

همچنین، محدودیت‌های تجاری می‌تواند باعث اختلاف قیمت بین بازارهای داخلی و خارجی شده و افزایش قیمت کالاهای وارداتی باعث افزایش انگیزه برای واردات غیر قانونی و فرار از پرداخت تعرفه‌ها شود (پیت، ۱۹۸۱: ۲۱). بر این اساس شاخص باز بودن تجارت<sup>۹</sup> که مقدار عددی آن بین ۰ تا ۱۰۰ است (مقدار بالاتر این شاخص، نشان‌دهنده‌ی وضعیت بهتر برای تجارت آزاد در یک کشور است)، معمولاً رابطه منفی با میزان قاچاق دارد، به این معنی که با آزادسازی تجارت خارجی و افزایش فضای باز تجارت بین‌المللی، قاچاق کالا از طریق حذف موانع تعرفه‌ای و خط قرمزها کاهش می‌یابد.

1. Bhagwati
2. Bhagwati & Hansen
3. Bhagwati & Srinivason
4. Johnson
5. Krueger
6. Sheikh
7. Pitt
8. Anam
9. Openness Index

علاوه بر این، تعرفه و یا سهمیه واردات (محدودیت در مقدار کالاهای وارداتی)، توانایی مصرف‌کنندگان را برای انتخاب بین محصولات داخلی و خارجی محدود می‌کند. اگرچه بازارهای مالی و سرمایه در حال یک‌پارچه شدن بیشتر هستند، اما تا همین اواخر بسیاری از کشورها کنترل سرمایه داشته‌اند که این موضوع توانایی سرمایه‌گذاران مالی به مبادله کردن ارز خارجی به واحد پول داخلی را محدود می‌کرد. بنابراین معمولاً این دو نوع محدودیت در بازارهای بین‌المللی، قاچاق را جذاب‌تر می‌کند.

از یک طرف، تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری باعث ایجاد انگیزه برای معامله‌گران می‌شود تا به راه‌های غیر قانونی تجارت از جمله قاچاق محصولات یا صدور صورت‌حساب اشتباه صادرات و واردات متوسل شوند. از سوی دیگر، کنترل سرمایه و محدودیت‌های بازار ارز خارجی باعث ایجاد بازار موازی یا بازار سیاه ارز خارجی و یک حق‌العمل موازی بیش از نرخ رسمی ارز می‌شود. این حق‌العمل بازار سیاه که به اصطلاح BMP<sup>۱</sup> نامیده می‌شود، یک انگیزه بسیار جذاب برای معامله‌گران است. طبق صورت‌حساب غیر واقعی صادرات، آن‌ها می‌توانند سودهای اضافی به دست آمده توسط درآمد ثبت نشده را در مسیر بازار سیاه ارز نقد کنند. با این حال، وجود یک BMP، ممکن است عامل بازدارنده‌ای برای تجارت غیر قانونی باشد. واردکنندگان غیر قانونی که در صدور صورت‌حساب‌های واردات تقلب می‌کنند، مجبور هستند تا برای میزانی از واردات که به مقامات گزارش نشده است از بازار سیاه ارز خارجی تهیه کنند که در این حالت، افزایش در BMP به معنی افزایش هزینه برای واردکنندگان غیر قانونی است و در نتیجه انگیزه برای قاچاق را کاهش می‌دهد (بوئن و فرزانگان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۲۳).

بر اساس گزارش سازمان جهانی یک‌پارچگی مالی (۲۰۱۵)، طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۴ ارزش صورت‌حساب‌های غلط تجاری ایران معادل ۳۰۷۳۷۰ میلیون دلار آمریکا برآورد شده است (کار و اسپانجرز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵: ۱۱). این رقم بسیار بالاتر از

ارزش صورت حساب های غلط تجاری در اکثر کشورهایی است که در این گزارش اسامی آنها آورده شده است. جدول ۱ ارزش این صورت حساب ها را در ایران و تعداد محدودی از کشورهای موجود در گزارش ذکر شده، بر حسب میلیون دلار آمریکا نشان می دهد.

جدول ۱. اجزای صورت حساب های غلط تجاری،

۲۰۱۳-۲۰۰۴ (میلیون دلار آمریکا)

ردیف	کشور	صورت حساب های غلط واردات	صورت حساب های غلط صادرات	مجموع صورت حساب های غلط تجاری ناخالص
۱	هندوستان	۷۹۰۷۶۵	۳۰۵۶۸۶	۱۰۹۶۴۵۱
۲	برزیل	۲۸۴۹۶۱	۲۶۹۰۶۷	۵۵۴۰۲۸
۳	ترکیه	۳۶۱۰۸۷	۱۳۸۶۸۷	۴۹۹۷۷۴
۴	ایران	۱۶۳۶۶۰	۱۴۳۷۱۰	۳۰۷۳۷۰
۵	آرژانتین	۹۹۹۰۷	۷۸۸۲۷	۱۷۷۷۳۴
۶	قطر	۴۸۰۶۷	۹۹۰۱۱	۱۴۷۰۷۸
۷	عراق	۶۲۹۴۹	۴۷۴۹۶	۱۱۰۴۴۵
۸	افغانستان	۹۴۴۵	۱۲۱۳	۱۰۶۵۸

منبع: کار و اسپانچرز (۲۰۱۵).

همچنین بر اساس گزارش ذکر شده، کشور ایران در رتبه بندی کشورها بر اساس متوسط جریان های مالی غیر قانونی ۲۰۱۳-۲۰۰۴، در بین ۱۴۹ کشور، در جایگاه ۲۴ قرار گرفته است که بیانگر وضعیت نامناسب تجارت و جریان های مالی غیر قانونی ایران در جهان است. جدول ۲ مقایسه کشور ایران و برخی از کشورهای جهان را در خصوص رتبه و میزان متوسط جریان های مالی غیر قانونی طی سال های ۲۰۱۳-۲۰۰۴

نشان می دهد.



جدول ۲. رتبه‌بندی کشورها بر اساس بیشترین متوسط جریانات مالی غیر قانونی ۲۰۱۳-۲۰۰۴ (میلیون دلار آمریکا)

رتبه	کشور	متوسط جریانات مالی غیر قانونی
۱	جمهوری خلق چین	۱۳۹۲۲۸
۴	هندوستان	۵۱۰۲۹
۹	اندونزی	۱۸۰۷۱
۱۲	ترکیه	۱۵۴۵۰
۱۶	عراق	۱۰۵۰۱
۲۴	ایران	۶۰۴۲۲
۴۳	عربستان سعودی	۲۸۷۷
۷۵	بحرین	۷۹۱
۱۰۹	پاکستان	۱۹۲
۱۲۲	تاجیکستان	۹۳

منبع: کار و اسپانجرز (۲۰۱۵).

ب) **بیکاری:** نرخ بالای بیکاری یکی از مهمترین معضلات کشورهای درحال توسعه است. اما اثر این متغیر بر قاچاق کالا مبهم است. کاهش بیکاری به دلیل رشد اقتصادی از یک سو قدرت خرید افراد و تقاضای مؤثر برای تولیدات قانونی و غیر قانونی را تقویت نموده و درآمد متأثر از کاهش بیکاری ممکن است با مقادیر بیشتری از تجارت غیر قانونی نیز توأم گردد (باجادا، ۲۰۰۵: ۱۰). از سوی دیگر به خاطر تأثیرات جایگزینی عایدات حاصل شده، افراد ریسک‌گریز کمتر خود را در معرض ریسک قرار داده و تقاضاهای خود را بیشتر به سمت اقتصاد رسمی متوجه خواهند نمود و به این جهت است که میزان تجارت غیر قانونی تنزل می‌یابد. با افزایش بیکاری، مسیری خلاف جهت بالا طی می‌شود. تحت تأثیر اثرات جایگزینی،

افراد بیکار به دلیل نبود درآمد در پی جست و جوی فرصت‌هایی در اقتصاد غیر رسمی از جمله قاچاق خواهند بود (بوئن و فرزندگان، ۲۰۱۲: ۱۱).

تانزی<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) معتقد است که رابطه‌ی بین نرخ بیکاری و اقتصاد سایه‌ای مبهم است. بنابراین نظریه اقتصادی اطلاعات دقیقی در مورد این موضوع که رابطه نرخ بیکاری و قاچاق (به عنوان بخشی از اقتصاد سایه‌ای) به طور قطعی مثبت یا منفی است ارائه نمی‌دهد و علامت این متغیر به تحلیل تجربی در هر کشور بستگی دارد.

**ج) حاکمیت قانون:** قاچاق کالا به طور مستقیم با دیگر انواع جرائم مانند فرار از مالیات و عوارض گمرکی، ارتشاء، فساد اداری و پول‌شویی ارتباط می‌یابد. احتمال گرفتار شدن و مجازات گردیدن به وسیله قوانینی که توسط یک سیستم قضایی کارآمد پشتیبانی می‌شوند تا حدود زیادی به تأمین قضایی و حاکمیت قانون در کشورها بستگی دارد. سیستم قضایی و تأمین نیرومند عامل محدود کننده مهمی است که سودآوری قاچاق کالا را کاهش می‌دهد. چراکه قاچاقچیان سعی دارند تا بهره خود از عمل قاچاق را به حداکثر برسانند. بنابراین با در نظر داشتن تفاوت میان عواید مورد انتظار و هزینه‌های مورد انتظار که البته یکی از آن‌ها جریمه‌های مربوط به تجارت غیر قانونی است، به قاچاق روی می‌آورند. بدیهی است هرچه هزینه‌های مورد انتظار بیشتر و عواید خالص حاصله کمتر باشد، قاچاق کمتر سودآور خواهد بود (بوئن و فرزندگان، ۲۰۱۲: ۱۷).

از آنجایی که اطلاعات مورد نیاز در مورد نرخ جریمه برای تجزیه و تحلیل کشورها در دسترس نیست، بنابراین مناسب‌ترین شاخص جایگزین، شاخص حاکمیت قانون از میان شاخص‌های جهانی حکومت (WGI)<sup>۲</sup> است. محدوده این شاخص از ۲/۵- تا ۲/۵ می‌باشد که مقادیر بالاتر آن نشان‌دهنده سیستم قضایی و حکومتی

1. Tanzi  
2. World Governance Indicators



قدرتمندتر است (کافمن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۹).

**د) فساد:** تحقیقات تجربی بیانگر ارتباط مثبت بین فساد و قاچاق کالا است. احتمال وقوع قاچاق کالا در کشورهای دارای بوروکراسی فاسد که به احتمال زیاد از قدرت عمومی برای منافع خصوصی سوءاستفاده می‌کنند و به قاچاقچیان اجازه فرار را در زمانی که گرفتار هستند می‌دهند، آسان‌تر است (بوئن و فرزانگان، ۲۰۱۲: ۱۷). بر اساس گزارش کمیته مبارزه با قاچاق و فعالیت‌های جعلی نابودکننده اقتصاد (CASCADE)<sup>۲</sup> فدراسیون اتاق‌های بازرگانی و صنعت هند (FICCI)<sup>۳</sup>، برخی از محققان به این موضوع اشاره دارند که سطح قاچاق به سطح فساد در کشورهای شریک تجاری نیز ارتباط دارد (کمیته مبارزه با قاچاق و فعالیت‌های جعلی نابودکننده اقتصاد فدراسیون اتاق‌های بازرگانی و صنعت هند، ۲۰۱۳).

وجود نهادهای سالم باعث می‌شود تا قاچاق کالا دارای سود اندکی باشد چراکه قاچاقچیان همواره در تلاش هستند تا سود خالص خود را از قاچاق به حداکثر برسانند، برای مثال هر چقدر تفاوت بین درآمدهای پیش‌بینی شده و هزینه‌های مورد انتظار آن‌ها که شامل مجازات‌هایی برای این تجارت غیر قانونی می‌شود با مقادیر واقعی درآمد و هزینه‌ها بیشتر باشد، سود حاصل نیز کاهش می‌یابد. قاچاق کالا یکی از انواع فساد اداری است که در آن رابطه فسادآمیز بین قاچاقچیان و کارمندان دولت به وجود می‌آید. قاچاقچیان در همه جا سعی می‌کنند تا با دادن وعده به مأموران انتظامی و گمرک و دادگاه‌ها (کادر اداری و قضایی) راهی برای فرار از ضبط کالا و پرداخت جریمه و محکومیت پیدا کنند و با اعمال فشار و دادن وعده ممکن است، برخی از مأموران قربانی وسوسه‌ها شده و گرفتار شوند و در سازمان اموال تملیکی نیز برای خرید کالای ضبطی خودشان یا دیگران به همین نحو عمل می‌شود (فیروزجائی،

1. Kaufmann et al
2. Committee Against Smuggling and Counterfeiting Activities Destroying the Economy
3. Federation of Indian Chambers of Commerce & Industry
4. FICCI: CASCADE

۱۳۸۴: ۲۱). فساد رسمی یکی از شایع‌ترین مسائل در اغلب کشورها است که باعث تضعیف حکمرانی خوب، محدود شدن رشد اقتصادی و سلب امنیت می‌شود. مقصود از فساد رسمی فساد در بخش عمومی است که رابطه نزدیکی با حکمرانی نامناسب دارد (دلیرپور، ۱۳۸۹: ۱۵). فساد در اخذ عوارض و مالیات‌های گمرکی در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، به لحاظ حجم واردات آنها، بیشتر از کشورهای صنعتی است. فساد ناشی از قاچاق کالا سبب می‌شود تا قاچاقچیان در مدت زمان بسیار کوتاهی به ثروت‌های کلان و بادآورده‌ای دست پیدا کنند، بدون آنکه حقوق دولت (مالیات و عوارض) را پرداخت نمایند (بیابانی و موسوی، ۱۳۸۹).

**ه) فضای کسب و کار:** یکی از دلایل گرایش تجار به تجارت غیر قانونی، بالا بودن هزینه‌های تجارت رسمی است. تسهیل تجارت رسمی و کاهش محدودیت‌های آن اعم از مقررات دست و پاگیر و موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، موجب افزایش تجارت رسمی و کاهش قاچاق می‌شود. با افزایش تعرفه واردات، هزینه واردات رسمی بالا رفته و انگیزه برای تجارت غیر قانونی که معاف از پرداخت این هزینه‌ها است افزایش می‌یابد. در واقع تشدید هرگونه محدودیت تجاری مانند بالا بودن هزینه‌های تجارت، انگیزه قاچاق کالا را در کشور با هدف حداکثرسازی سود از طریق فرار از قوانین و مقررات تجاری یا پاسخگویی به تقاضای داخلی تقویت می‌نماید (پژویان و مداح، ۱۳۸۵: ۱۹).

بانک جهانی<sup>۱</sup> هر ساله در گزارشی تحت عنوان کسب و کار<sup>۲</sup>، وضعیت اقتصادی کشورهای جهان را از لحاظ سهولت تجارت رسمی در این کشورها و در مقایسه با سایر کشورها مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس گزارش کسب و کار سال ۲۰۱۶، از میان ۱۸۹ اقتصاد دنیا، ایران از لحاظ سهولت در تجارت در رتبه ۱۱۸ دنیا و در بین ۲۰ کشور عضو خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه ۱۱ و پایین‌تر از کشورهایی مانند امارات

متحدہ عربی، بحرین، قطر، عمان و عربستان سعودی و بالاتر از عراق، یمن و لیبی قرار گرفته است. در زمینه هزینه‌های تجارت نیز بنا بر این گزارش در سال ۲۰۱۶، در کشور ایران هزینه واردات ۱۴۵۷ دلار به ازای هر کانتینر و هزینه صادرات ۱۲۶۶ دلار به ازای هر کانتینر بوده است که این ارقام در مقایسه با سایر کشورهای موفق در زمینه تجارت، بسیار بالا است.

جدول ۳ مقایسه کشور ایران با برخی از کشورهای جهان را در خصوص رتبه و هزینه‌های تجارت قانونی نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقایسه رتبه و هزینه‌های تجارت بین‌الملل (۲۰۱۶)

کشور	رتبه در سهولت تجارت	زمان برای صادرات (ساعت)	هزینه صادرات (دلار به ازای هر کانتینر)	زمان برای واردات (ساعت)	هزینه واردات (دلار به ازای هر کانتینر)
سنگاپور	۱	۱۸	۴۹۳	۳۷	۴۷۱
دانمارک	۳	۶	۹۳۰	۶	۹۳۰
مالزی	۱۸	۴۲	۶۲۱	۱۸	۶۳۶
ژاپن	۳۴	۵۳/۷	۶۲۹	۵۳/۷	۶۶۸,۱
بحرین	۶۵	۱۰۶	۵۰۸	۱۴۰	۶۷۲
قطر	۶۸	۴۵	۸۳۲	۱۷۹	۱۶۳۸
ایران	۱۱۸	۳۰۸	۱۲۶۶	۴۸۵	۱۴۵۷
عراق	۱۶۱	۵۹۷	۴۱۹۷	۴۷۹	۲۵۴۴
لیبی	۱۸۸	۱۵۶	۹۳۸	۱۸۷	۱۰۲۸

منبع: گزارش کسب و کار (۲۰۱۶)

### ۳-۵. عاملان قاچاق

عمده‌ترین گروه‌های قاچاقچی را می‌توان در چهار گروه سازمان‌های تروریستی، سازمان‌های جنایی، کسب و کارها و اشخاص حقیقی طبقه‌بندی کرد.

- **سازمان‌های تروریستی:** این سازمان‌ها فعالیت‌های قاچاق را به منظور تأمین مالی عملیات خود انجام می‌دهند (داندورانند و چین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۲۵). آن‌ها کالاهایی مانند مواد مخدر، سیگار و مواد نفتی را قاچاق می‌کنند. همچنین تروریست‌ها به معامله کردن مستقیم در قاچاق اسلحه به منظور افزودن منابع خود و تقویت سازمان‌های هم‌فکر شناخته شده هستند. با توجه به بازدهی نسبتاً بالای این فعالیت‌ها، ارتباط میان سازمان‌های تروریستی با فعالیت‌های قاچاق رو به افزایش است.

- **سازمان‌های جنایی:** سازمان‌های جنایی بزرگ و پیچیده به منظور بدست آوردن سودهای اضافه در قاچاق شرکت می‌کنند. این بخش از شاخه‌های مجزا مانند سازمان ضد جاسوسی، رشوه و پول‌شویی تشکیل شده است.

- **کسب و کارها (بزرگ و کوچک):** کسب و کارها یا گروه‌های محلی، مواد اولیه را برای محصولات نهایی قاچاق می‌کنند (لیچنتوالد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

- **اشخاص حقیقی:** گروه‌های کوچک یا اشخاص حقیقی تنها به منظور مصارف شخصی خود به قاچاق مشغول می‌شوند و بیشتر به قاچاق مواد مخدر و محصولات شخصی می‌پردازند (کمیته مبارزه با قاچاق و فعالیت‌های جعلی نابودکننده اقتصاد فدراسیون اتاق‌های بازرگانی و صنعت هند، ۲۰۱۳).

### ۶-۳. رابطه قاچاق کالا و رشد اقتصادی

قاچاق کالا یکی از موضوعاتی است که عملکرد بخش‌های مختلف اقتصاد را تحت شعاع قرار می‌دهد. این پدیده در کشورهایی که از سیستم قیمت‌گذاری ناکارآمدی برخوردار بوده و یا هزینه‌های تولید در آن‌ها بالا است و تجارت خارجی با موانع بیشتری روبرو است، بیشتر دیده می‌شود. با این حال به لحاظ اینکه در کشور ایران



1. Dandurand & Chin  
2. Lichtenwald

یک سیستم اقتصادی نه‌چندان کارآمد جریان دارد که اصول اقتصادی در مسائل مختلف به درستی اجرا نمی‌شود، بنابراین نسبت به کالاهای مختلف در بازار، نیاز قابل توجهی وجود دارد که بخشی از نیازهای داخل از طریق مبادی غیر رسمی مانند قاچاق تأمین می‌شود. در ارتباط با پدیده صادرات و خروج کالا نیز نامتعادل بودن نظام قیمتی، منجر به بروز پدیده قاچاق می‌شود. همچنین در ایران مجموعه‌ای از کالاهای ناسازگار با فرهنگ و اعتقادات حاکم وجود دارد که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند. اما در مورد کالاهایی که مصرف عمومی دارند در صورت فقدان سیاست‌گذاری صحیح، قاچاق صورت می‌گیرد. موانع پیش‌گفته در کشور ما، علاوه بر دامن زدن به پدیده قاچاق موجب از بین رفتن بسترهای لازم برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی<sup>۱</sup> (WTO) نیز شده است که این موضوع می‌تواند مانعی در جهت رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی بالاتری شود (مطرانلوئی، ۱۳۹۴: ۱۱).

بنابراین از آنجایی که یکی از الزامات سند چشم‌انداز بیست‌ساله اقتصادی کشور تقویت تولید است، قاچاق به عنوان یک تهدید اقتصادی می‌تواند نظام اقتصادی کشور را از رسیدن به این هدف بازداشته و یا دچار مشکل کند و در نهایت منجر به تضعیف قدرت اقتصادی کشور شود. بنابراین مشاهده می‌شود که قاچاق کالا از بُعد اقتصادی ضربات سنگینی به جامعه وارد می‌آورد. قاچاق کالا به‌طور غیر مستقیم می‌تواند بر سرمایه‌گذاری ملی کشور تأثیر منفی داشته باشد. با ورود کالاهای قاچاق (با قیمت پایین) تولید ملی ضربه خورده و تقاضا برای محصولات تولید داخل کاهش یافته و به دنبال خود کاهش سودآوری و در نهایت کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تولید داخلی را موجب می‌گردد. کاهش سرمایه‌گذاری نیز باعث کاهش اشتغال‌گردیده، نرخ بیکاری را افزایش خواهد داد. با افزایش بیکاری بحران‌های اجتماعی- اقتصادی و تبعات ناشی از آن نیز افزایش خواهد یافت (سیف، ۱۳۸۵: ۱۸).

از طرفی قاچاق شامل هزینه‌هایی است که این هزینه‌ها را می‌توان به دو دسته کلی

1. world Trade Organization

هزینه‌های واقعی و هزینه‌های پولی تقسیم‌بندی نمود. هزینه‌های واقعی قاچاق از انتقال عوامل تولید مانند سرمایه و نیروی کار به بخش‌های غیر قانونی و مخفی اقتصاد و هزینه‌های پولی به دلیل فرار از مالیات و تعرفه به وجود می‌آیند. درآمدهای مالیاتی منبع غالب درآمدهای دولت در بسیاری از کشورها است. در حالی که کشورهای توسعه یافته بیشتر بر مالیات‌های مستقیم مانند مالیات بر درآمد، سود و سود سرمایه تکیه دارند، کشورهای در حال توسعه اغلب به مالیات‌های غیر مستقیم، از جمله مالیات بر تجارت بین‌المللی متکی هستند (عسکری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۲۶). این موضوع به این دلیل است که هزینه‌های اداری و اجرایی مالیات‌های غیر مستقیم نسبت به مالیات‌های مستقیم پایین‌تر است. در نتیجه، در محیط‌هایی با کیفیت نهادی پایین‌تر مانند کشورهای در حال توسعه، وضع مالیات غیر مستقیم آسان‌تر است.

بنابراین، قاچاقچیان با اجتناب از وظایف قانونی و مالیات‌ها / تعرفه‌ها، یک بار اضافی به بودجه دولت تحمیل می‌کنند. به‌طور طبیعی، فعالیت‌های آن‌ها توانایی دولت را برای ارائه کالاهای عمومی کاهش می‌دهد (به خصوص در کشورهای در حال توسعه به این دلیل که آن‌ها بیشتر بر مالیات‌های غیر مستقیم تکیه دارند). این موضوع می‌تواند عواقب مضر برای دولت در خصوص ارائه کالاهای عمومی داشته باشد. این در حالی است که ارائه کالاهای عمومی، بهره‌وری شرکت‌ها را در بخش رسمی اقتصاد افزایش می‌دهد (جانسون و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۷۷، لویزا، ۱۹۹۶). بنابراین قاچاق - از طریق اتلاف منابع کمیاب - دارای اثر منفی بر بهره‌وری، توسعه و رشد اقتصادی است (بوئن و فرزانتگان، ۲۰۱۲: ۱۱).

با توجه به دشواری مشاهده و اندازه‌گیری قاچاق کالا و همچنین به دلیل ماهیت پنهان آن، این پدیده در آمارهای رسمی ثبت نمی‌شود و وجود آن موجب پنهان ماندن بخشی از عملکرد اقتصادی کشور خواهد شد. این امر می‌تواند کارایی سیاست‌های

توزیعی و تخصیصی دولت را با چالش مواجه سازد (دومینگوئز، ۱۹۷۵: ۱۶). با توجه به موارد ذکر شده، از جمله اثرات اقتصادی قاچاق کالا می‌توان به شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی، کاهش درآمدهای دولت، افزایش هزینه‌های دولت و افزایش کسری بودجه، کاهش سطح تولید داخلی، کاهش اشتغال، هدر رفتن منابع ارزی کشور، توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی<sup>۱</sup>، کاهش رفاه مصرف‌کنندگان<sup>۲</sup>، اختلال در سیاست‌های اقتصادی، تسهیل انحصار و رانت‌خواری، مشکلات پولی، لطمه به آمارهای اقتصادی، تهدید امنیت سرمایه‌گذاری و غیره اشاره کرد که اکثر این عوامل به هم مرتبط بوده و بر هم تأثیر می‌گذارند و یا از هم تأثیر می‌پذیرند. در نتیجه قاچاق کالا به طرق مختلف و از طریق متغیرهای زیادی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد.

### ۷-۳. تصریح مدل

بر اساس آنچه بیان گردید و با توجه به اینکه هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی رابطه بین قاچاق کالا و رشد اقتصادی است، لذا با استفاده از یک مدل رشد اقتصادی می‌توان ارتباط بین این دو متغیر را بررسی نمود. در این مطالعه از مدل ارائه شده توسط منکیو، رومر و ویل<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) استفاده خواهد شد. الگوی آن‌ها در شکل یک تابع تولید از نوع کاپ - داگلاس و با فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس به صورت زیر است:

۱. به‌طور استثنا و در شرایطی خاص، قاچاق اثر مثبتی بر بهبود وضعیت درآمدی ساکنین بخش‌های خاصی از کشور می‌گذارد. این اتفاق از آنجا نشأت می‌گیرد که در بخش‌هایی از کشور که بنا به شرایط جغرافیایی و سایر عوامل از موقعیت استراتژیکی خاصی بهره می‌گیرند، قاچاق باعث بهبود وضعیت درآمدی آن‌ها می‌گردد، فقر را در این مناطق کاهش داده و روند توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. به عنوان مثال در بخش مرزی خاو و میرآباد - مریوان قاچاق کالا تأثیر مثبتی بر افزایش درآمد، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری داشته است (کهنه‌پوشی و عنابستانی، ۱۳۹۱).

۲. به اعتقاد برخی پژوهشگران در شرایط عدم هم‌زمانی قاچاق و تجارت قانونی، قاچاق کالا به کاهش رفاه منجر می‌شود. البته تحت شرایط خاصی امکان افزایش رفاه نیز وجود دارد. این در حالی است که برخی دیگر از پژوهشگران بیان می‌کنند که در حالت هم‌زمانی قاچاق و تجارت قانونی نیز امکان افزایش رفاه توسط قاچاق وجود دارد.

3. Mankiw, Romer & Weil

$$Y_t = A_t K_t^\alpha H_t^\beta L_t^{1-\alpha-\beta} \quad (1)$$

که در آن  $Y_t$  تولید ناخالص داخلی،  $A_t$  ضریب فناوری،  $K_t$  سرمایه فیزیکی،  $H_t$  سرمایه انسانی و  $L_t$  نیروی کار است. رابطه فوق با تقسیم بر نیروی کار ( $L_t$ ) و سپس لگاریتم‌گیری به فرم خطی زیر تبدیل می‌شود:

$$\text{Log} \left( \frac{Y}{L} \right)_t = \text{Log}(A)_t + \alpha \text{Log} \left( \frac{H}{L} \right)_t + \beta \text{Log} \left( \frac{K}{L} \right)_t \quad (2)$$

علاوه بر عواملی که در مدل فوق به آن اشاره شده است، در هر کشوری متناسب با شرایط خاص آن، عوامل دیگری نیز در روند رشد اقتصادی اثر گذار هستند. اکثر مطالعات صورت‌گرفته در زمینه رشد اقتصادی از الگوی خاصی پیروی نکرده‌اند. به این معنی که محققان ابتدا معادله حسابداری رشد را در نظر گرفته و سپس به منظور توضیح بهتر رشد اقتصادی، متغیرهایی را به الگو اضافه می‌نمایند. خان و رینهارت<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) علت این عمل را ناتوانی مدل‌های رشد در توضیح رشد اقتصادی می‌دانند. بر اساس الگوهای رشد درون‌زا نه تنها عوامل نیروی کار و سرمایه، بلکه متغیرهای کلان دیگر نیز در توضیح رشد اقتصادی مؤثرند (درگاهی و قدیری، ۱۳۸۲: ۸). بنابراین مبنای مدل مورد استفاده برای ایران در این تحقیق مدل زیر خواهد بود:

$$\text{Log} \left( \frac{Y}{L} \right)_t = \text{Log}(A)_t + \alpha \text{Log} \left( \frac{H}{L} \right)_t + \beta \text{Log} \left( \frac{K}{L} \right)_t + \gamma Z_t \quad (3)$$

که در آن  $Z_t$  نشان‌دهنده سایر عواملی است که بر رشد اقتصادی تأثیر خواهند گذاشت. بنابراین مدل نهایی مورد استفاده که مبنای برآورد و تخمین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران است به صورت زیر می‌باشد:

$$\ln(GDP_t) = \alpha_0 + \alpha_1 \ln(H_t) + \alpha_2 \ln(K_t) + \alpha_3 \ln(G_t) + \alpha_4 \ln(SMU_t) + \alpha_7 \ln(OP_t) + D_1 + \varepsilon_t \quad (4)$$

در رابطه (۴)،  $(GDP_t)$ : تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳)،  $(H_t)$ : شاخص سرمایه انسانی (نسبت شاغلان دارای تحصیلات عالی به کل شاغلان)،  $(K_t)$ : تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی سرانه،  $(G_t)$ : مخارج مصرفی



دولت،  $(SMU_t)$ : حجم قاچاق کالا،  $(OP_t)$ : شاخص باز بودن تجاری (مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) و  $(D_1)$ : متغیر دامی انقلاب است. سری زمانی مورد استفاده در این مطالعه، دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۵۳ را شامل می‌شود. به دلیل برخورداری از یک پارچگی و انسجام مناسب، اکثر داده‌های آماری مورد نیاز، از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری شده است. البته داده‌های مربوط به متغیر سرمایه انسانی از داده‌های موجود در سازمان برنامه و بودجه کشور استخراج شده است. در خصوص متغیر اصلی یعنی قاچاق کالا، به دلیل کمبود اطلاعات مورد نیاز در منابع آماری داخلی و خارجی، به ناچار از داده‌های محاسبه شده در مطالعه زراءنژاد و همکاران (۱۳۹۲) استفاده شده است.

#### ۴. تجزیه و تحلیل تجربی نتایج

اولین گام در برآورد الگوی اقتصادسنجی بررسی پایایی متغیرها است. معمول‌ترین آزمون جهت بررسی پایایی یک سری زمانی، آزمون ریشه واحد با استفاده از روش دیکی - فولر تعمیم یافته  $ADF^1$  است<sup>۲</sup>. بنابراین در ادامه به منظور بررسی پایایی متغیرها از آزمون  $ADF$  استفاده می‌گردد. جدول شماره ۴ نشان‌دهنده نتایج آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته با عرض از مبدأ و با عرض از مبدأ و روند برای متغیرهای مورد نظر می‌باشد. از آنجا که معیار شوارتز - بی‌زین ( $SBC$ ) در تعداد وقفه‌ها صرفه‌جویی می‌کند و نیز با توجه به حجم کم داده‌ها در مطالعه حاضر، تعداد وقفه‌های بهینه بر اساس معیار  $SBC$  انتخاب شده است<sup>۳</sup>.

##### 1. Augmented Dickey-Fuller Test

۲. آزمون  $(ADF)$  توسط دیکی و فولر (Dickey-Fuller) در سال ۱۹۸۱ ارائه شده است.  
 ۳. به منظور تعیین تعداد وقفه‌های بهینه الگو از معیارهای مختلفی مانند آکائیک ( $AIC$ )، شوارتز - بی‌زین ( $SBC$ )، حنان - کویین ( $HQC$ ) استفاده می‌شود. در میان ضوابط فوق، معمولاً معیار  $SBC$  کم‌هزینه‌ترین مدل را پیشنهاد می‌کند. معیار  $AIC$  بیشترین تعداد وقفه را پیشنهاد می‌کند و معیار  $HQC$  معمولاً تعداد وقفه‌ها را در حد وسط این دو تعیین می‌نماید. ضریب تعیین تعدیل شده ( $\bar{R}^2$ ) نیز می‌تواند به عنوان یک معیار اطلاعاتی مورد توجه قرار گیرد اما این معیار به صورت کلی مدل‌های بزرگ‌تر را برمی‌گزیند.

جدول ۴. نتایج آزمون پایایی متغیرهای الگو بر اساس آزمون ADF

نتیجه آزمون پایایی	در تفاضل مرتبه اول		در سطح		متغیر
	با عرض از مبدأ و روند	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ و روند	با عرض از مبدأ	
پایا در تفاضل مرتبه اول	-۵/۱۰۳۱۶۵	-۳/۸۶۸۹۱۷	-۱/۹۱۱۴۳۷	-۱/۹۱۸۹۵۰	$\ln(GDP_t)$
پایا در سطح	-	-	-۳/۹۳۲۰۶۲	-۰/۴۴۶۷۷۶	$\ln(H_t)$
پایا در تفاضل مرتبه اول	-۵/۲۸۲۷۴۱	-۵/۰۱۵۹۶۹	-۱/۱۴۵۶۶۹	-۱/۲۷۸۴۸۳	$\ln(K_t)$
پایا در تفاضل مرتبه اول	-۵/۶۱۲۲۶۶	-۵/۵۷۴۳۴۶	-۱/۳۵۰۶۹۶	-۱/۳۳۷۹۴۳	$\ln(G_t)$
پایا در تفاضل مرتبه اول	-۷/۳۵۱۱۱۲	-۷/۷۱۶۱۱۵	-۱/۶۹۸۰۰۶	-۱/۱۲۹۶۲۸	$\ln(SMU_t)$
پایا در تفاضل مرتبه اول	-۵/۷۴۲۸۹۹	-۵/۶۸۹۲۴۲	-۳/۵۰۱۹۰۷	-۱/۷۷۴۱۱۸	$\ln(OP_t)$
	-۳/۵۴۰۳۲۸	-۲/۹۴۵۸۴۲	-۳/۵۴۰۳۲۸	-۲/۹۴۵۸۴۲	مقادیر بحرانی در سطح ۵٪

منبع: محاسبات تحقیق (با استفاده از بسته نرم‌افزاری Eviews 9.0).

بر اساس جدول فوق مشاهده می‌شود که در سطح پنج درصد، برخی از متغیرهای مورد استفاده در مدل در سطح پایا هستند  $I(0)$  و برخی از متغیرها در تفاضل مرتبه اول پایا می‌باشند  $I(1)$ . از آنجا که متغیرهای مدل انباشته از درجات صفر یا یک هستند، به منظور بررسی روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت بین متغیرهای الگو، از روش الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده  $ARDL$  (ارائه شده توسط پسران و شین<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، استفاده خواهد شد. به اعتقاد بسیاری روش  $ARDL$  برای بررسی رابطه

هم‌جمعی و بلندمدت بین متغیرها بر دیگر روش‌ها مانند انگل - گرنجر<sup>۱</sup> برتری دارد. این روش، صرف‌نظر از این‌که متغیرهای موجود در مدل  $I(1)$  و یا  $I(0)$  باشند، قابل کاربرد است و همچنین در نمونه‌های کوچک کارایی نسبتاً بیشتری در مقایسه با دیگر روش‌ها دارد. به‌طور کلی برآورد الگوی ARDL شامل دو مرحله می‌باشد. در مرحله اول مدل پویای ARDL برآورد می‌شود و وجود رابطه بلندمدت بررسی می‌شود و در صورت تشخیص وجود رابطه بلندمدت، در مرحله دوم تخمین ضرایب بلندمدت و کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد. جدول ۵ نتایج حاصل از برآورد الگوی پویای ARDL را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون پویای ARDL

متغیر وابسته $\ln(GDP_t)$				
متغیرها	ضریب	انحراف معیار	نسبت-T	ارزش بحرانی
$\ln(GDP_t)(-1)$	۰/۴۱۳۴۱۹	۰/۰۹۷۱۷۵	۴/۲۵۴۳۹۲	۰/۰۰۰۲***
$\ln(H_t)$	۰/۱۹۸۸۱۹	۰/۰۴۴۲۰۳	۴/۴۹۷۸۱۲	۰/۰۰۰۱***
$\ln(K_t)$	۰/۲۲۱۹۴۳	۰/۰۵۹۸۳۱	۳/۷۰۹۵۲۴	۰/۰۰۰۹***
$\ln(G_t)$	۰/۳۲۴۶۱۰	۰/۱۱۸۵۳۶	۲/۷۳۸۴۹۰	۰/۰۱۰۴**
$\ln(SMU_t)$	-۰/۱۴۹۸۲۲	۰/۰۷۰۱۵۰	-۲/۱۳۵۷۴۲	۰/۰۴۱۳**
$\ln(OP_t)$	۰/۱۸۸۵۵۱	۰/۰۶۷۶۷۱	۲/۷۸۶۲۷۸	۰/۰۰۹۳***
$D_1$	-۰/۱۹۳۷۸۶	۰/۰۴۹۸۸۸	-۳/۸۸۴۴۶۹	۰/۰۰۰۵***
C (عرض از مبدأ)	-۱/۷۰۳۹۶۸	۱/۳۴۰۲۸۴	-۱/۲۷۱۳۴۹	۰/۲۱۳۷
ضریب تعیین $R^2$	ضریب تعیین تعدیلی $\bar{R}^2$	آماره F رگرسیون	ارزش بحرانی آماره F	آماره دوربین-واتسون
۰/۹۶۶۱۴۴	۰/۹۵۷۹۷۱	۱۱۸/۲۲۲۹	۰/۰۰۰۰***	۱/۷۷۱۶۷۴

منبع: محاسبات تحقیق (با استفاده از بسته نرم‌افزاری Eviews 9.0).

\*\*\* و \*\*، به ترتیب نشان‌دهنده معنی‌داری در سطح ۱ و ۵ درصد است.

با توجه به نتایج جدول مشاهده می‌شود که مقدار ضریب تعیین  $R^2$  برابر با  $0/966144$  و مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته  $\bar{R}^2$  نیز برابر با  $0/957971$  است که این موضوع نشان‌دهنده‌ی قدرت توضیح‌دهندگی بالای الگوست. از طرفی آزمون F که معنی‌داری کلی خط رگرسیون را نشان می‌دهد در سطح یک درصد معنی‌دار است به این معنا که کل خط رگرسیون معنی‌دار می‌باشد.

قبل از برآورد ضرایب بلندمدت مدل، لازم است الگوی اولیه انتخابی ARDL ارائه شده در قسمت قبل از نظر فروض کلاسیک آزمون شود. نتایج آزمون‌های تشخیصی فروض کلاسیک در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون تشخیص پذیری در الگوی ARDL

آماره	آزمون
$0/251104 [0/6202]$	خودهمبستگی بین جملات اخلال
$3/481748 [0/0726]$	فرم تابعی (تصریح مدل)
$1/049211 [0/5938]$	نرمال بودن جملات اخلال
$0/986102 [0/4604]$	واریانس همسانی

منبع: محاسبات تحقیق (با استفاده از بسته نرم‌افزاری Eviews 9.0).

مقادیر داخل [ ] مقدار خطا را نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج جدول ۶ مشاهده می‌شود که مقدار خطا در تمام آزمون‌ها بزرگ‌تر از  $0/05$  است، لذا فروض کلاسیک (عدم وجود خودهمبستگی پیاپی بین اجزا اخلال، تصریح صحیح فرم تابعی، توزیع نرمال جملات اخلال و وجود واریانس همسانی) برقرار می‌باشد. بنابراین، با اطمینان می‌توان به برآورد ضرایب بلندمدت مدل پرداخت. اما به منظور برآورد ضرایب بلندمدت، ابتدا لازم است تا وجود رابطه بلندمدت (هم‌انباشتگی) بین متغیرها بررسی شود. جدول ۷ نتایج آزمون

وجود رابطه تعادلی بلندمدت را با استفاده از آزمون بر اساس آماره  $t$  بنرجی و دیگران<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) نشان می‌دهد.

جدول ۷. نتایج آزمون وجود رابطه تعادلی بلندمدت  
با استفاده از آزمون بر اساس آماره  $t$  بنرجی و دیگران

مجموع ضرایب برآوردی وقفه‌های متغیر وابسته $(\sum_{i=1}^p \hat{\varphi}_i)$	انحراف معیار $(SE_{\hat{\varphi}_i})$	$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{\varphi}_i - 1}{\sum_{i=1}^p SE_{\hat{\varphi}_i}}$
۰/۴۱۳۴۱۹	۰/۰۹۷۱۷۵	-۶/۰۳۶۳

منبع: محاسبات تحقیق (با استفاده از بسته نرم‌افزاری Eviews 9.0).

مقادیر بحرانی جدول بنرجی، دولادو و مستر در سطوح ۱، ۵ و ۱۰ درصد به ترتیب برابر است با  $-۵/۰۴$ ،  $-۴/۴۳$  و  $-۳/۸۲$ .

از آنجا که قدر مطلق آماره  $t$  برآوردی در تمام سطوح معنی‌داری از قدر مطلق مقادیر بحرانی ارائه شده توسط بنرجی و دیگران بزرگ‌تر است، لذا فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد و در نتیجه وجود رابطه بلندمدت تأیید می‌شود. بنابراین در مرحله بعد روابط بلندمدت برآورد می‌شود. جدول ۸ نتایج حاصل از برآورد رگرسیون بلندمدت و ضریب تصحیح خطا را نشان می‌دهد.

جدول ۸. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون بلندمدت و ضریب تصحیح خطا

متغیر وابسته $\ln(GDP_t)$				
متغیرها	ضریب	انحراف معیار	نسبت-T	ارزش بحرانی
$\ln(H_t)$	۰/۳۳۸۹۴۶	۰/۱۰۷۳۲۴	۳/۱۵۸۱۴۲	۰/۰۰۳۷***
$\ln(K_t)$	۰/۳۷۸۳۶۸	۰/۱۰۵۷۳۴	۳/۵۷۸۴۹۴	۰/۰۰۱۲***
$\ln(G_t)$	۰/۵۵۳۳۹۴	۰/۱۸۰۷۰۴	۳/۰۶۲۴۳۸	۰/۰۰۴۷***

1. Banerjee, Dolado & Mastre

متغیر وابسته $\ln(GDP_t)$				
متغیرها	ضریب	انحراف معیار	نسبت T-	ارزش بحرانی
$\ln(SMU_t)$	-۰/۲۵۵۴۱۵	۰/۱۴۰۵۹۱	-۱/۸۱۶۷۲۸	۰/۰۷۹۶*
$\ln(OP_t)$	۰/۳۲۱۴۴۰	۰/۱۲۸۲۰۹	۲/۵۰۷۱۶۷	۰/۰۱۸۰***
$D_1$	-۰/۳۳۰۳۶۶	۰/۰۸۷۶۲۸	-۳/۷۷۰۰۹۳	۰/۰۰۰۷***
(عرض از C مبدأ)	-۲/۹۰۴۹۱۷	۲/۱۰۳۴۳۷	-۱/۳۸۱۰۳۴	۰/۱۷۷۸
ECM (-1)	-۰/۵۸۶۵۸۱	۰/۹۷۱۷۵	-۶/۰۳۶۳۵۰	۰/۰۰۰۰***

منبع: محاسبات تحقیق (با استفاده از بسته نرم‌افزاری Eviews 9.0).

\*\*\* و \*، به ترتیب نشان‌دهنده معنی‌داری در سطح ۱ و ۱۰ درصد است.

با توجه به نتایج جدول شماره ۸ می‌توان به تفسیر بلندمدت ضرایب متغیرهای مدل در پرداخت.

**متغیر لگاریتم سرمایه انسانی:** ضرایب برآورد شده در مورد متغیر لگاریتم سرمایه انسانی، عددی مثبت بوده (۰/۳۳۸۹۴۶) و در سطح یک درصد معنی‌دار است. این موضوع نشان‌دهنده کشش بلندمدت مثبت تولید ناخالص داخلی سرانه نسبت به متغیر سرمایه انسانی می‌باشد.

**متغیر لگاریتم سرمایه‌گذاری:** ضرایب برآورد شده در مورد متغیر لگاریتم سرمایه‌گذاری عددی مثبت بوده (۰/۳۷۸۳۶۸) و در سطح یک درصد معنی‌دار است. این موضوع بیانگر کشش بلندمدت مثبت تولید ناخالص داخلی سرانه نسبت به این متغیر است.

**متغیر لگاریتم مخارج مصرفی دولت:** ضریب برآورد شده در مورد متغیر لگاریتم مخارج مصرفی دولت در سطح یک درصد مثبت و معنی‌دار است (۰/۵۵۳۳۹۴). این بدان معنا است که کشش تولید ناخالص داخلی سرانه نسبت به این متغیر در بلندمدت

مثبت است.

**متغیر لگاریتم بازبودن تجاری:** ضرایب برآورد شده در مورد متغیر لگاریتم بازبودن تجاری عددی مثبت بوده (۰/۳۲۱۴۴۰) و در سطح پنج درصد معنی دار است. این بدان معنا است که کشش بلندمدت تولید ناخالص داخلی سرانه نسبت به بازبودن تجارت، مثبت می‌باشد.

**متغیر لگاریتم قاچاق کالا:** ضریب برآوردی در مورد متغیر لگاریتم قاچاق کالا عددی منفی بوده و در سطح ده درصد معنی دار است (۰/۲۵۵۴۱۵-). بنابراین مشخص می‌شود که کشش بلندمدت تولید ناخالص داخلی سرانه نسبت به قاچاق کالا منفی است.

علاوه بر این، ضریب جمله تصحیح خطا (ECT) برابر ۰/۵۸۶۵۸۱- برآورد شده است که نشان می‌دهد در هر سال تقریباً ۰/۵۹ از عدم تعادل یک دوره در تولید ناخالص داخلی سرانه در دوره بعد تعدیل می‌شود. بنابراین تعدیل به سمت تعادل نسبتاً با سرعت خوبی صورت می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر یکی از مهمترین اهداف همه‌ی اقتصادها است. در عین حال عوامل متعددی می‌توانند آن را تسریع بخشیده و یا بالعکس، موجب کندی در پیشرفت آن شوند. بدون شک یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی، پدیده قاچاق کالا است. بنابراین در مطالعه حاضر با در نظر گرفتن متغیر قاچاق کالا در یک مدل رشد و با استفاده از روش ARDL به بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین قاچاق کالا و رشد اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۳ پرداخته شده است.

فرضیه اصلی پژوهش بیان می‌دارد که قاچاق کالا در کشور ایران موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. همان‌طور که در بخش دوم پژوهش بیان شد، برخی پژوهش‌ها به اثرات مثبت اقتصاد غیر رسمی و برخی دیگر به اثرات منفی آن بر رشد اقتصادی

تأکید داشته‌اند. لذا نتایج بدست آمده در این پژوهش در مورد اثر قاچاق کالا بر رشد اقتصادی، نتایج پژوهشگرانی را که به رابطه منفی بین اقتصاد غیر رسمی و رشد اقتصادی اشاره داشته‌اند، تأیید می‌کند. به این معنا که قاچاق کالا با تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی، موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. به طوری که با افزایش یک درصد در قاچاق کالا، رشد اقتصادی ۰/۲۵ درصد کاهش می‌یابد.

از آنجایی که بخش عمده‌ای از افراد به منظور ورود کالا به داخل کشور، به دلیل وجود قوانین سخت‌گیرانه، دست و پا گیر و زمان‌بر گمرکی در حوزه واردات کالا به استفاده از روش‌های پنهانی و غیر قانونی روی می‌آورند، لذا حذف قوانین دست و پاگیر در زمینه واردات کالا، تسهیل واردات از مبادی رسمی و استفاده از تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته به منظور تسریع در انجام امور گمرکی، راه‌هایی برای حل مشکل واردات قاچاق کالا در کشور است. از طرف دیگر بالا بودن قیمت‌ها و وجود برخی انحصارات و عدم نظارت صحیح و کافی در سیستم قیمت‌گذاری زمینه را برای ورود برخی افراد به فعالیت‌های غیر قانونی فراهم می‌کند که در این راستا می‌توان از اجرای صحیح و کارآمد نظام قیمت‌گذاری و رقابتی شدن قیمت‌ها به عنوان راه‌حلی در جهت کاهش قاچاق کالا نام برد. در این میان صادرات قاچاق نیز به دلیل نامتعادل بودن نظام قیمتی و همچنین به دلیل ریسک و هزینه پایین شیوع و عمومیت یافته است که بالا بردن هزینه و ریسک قاچاق و همچنین تدوین مجازات‌های بیشتر و سنگین‌تر در زمینه خروج غیر قانونی محصولات از کشور به عنوان عواملی بازدارنده تلقی می‌شوند. بنابراین ایجاد نظام آزاد ورود و خروج کالا، با رعایت استانداردها در کنار اقدامات کنترلی و انضباطی به منظور حمایت از تولید داخل و همچنین مدیریت نظام‌های تعرفه‌ای و سیستم قیمت‌گذاری از جمله راه‌کارهای مقابله با پدیده قاچاق کالا هستند.



## منابع و مآخذ

### منابع فارسی

۱. بیابانی، غلامحسین و موسوی، سیداحمد، (۱۳۸۹)، "قاچاق کالا و اثرات آن بر اقتصاد"، فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه، دوره دوم، سال سوم، شماره ۱۱
۲. پژویان، جمشید و شهاب، محمدرضا، (۱۳۹۴)، "ارتباط بین اقتصاد سایه‌ای و رشد اقتصادی: یک تحلیل تجربی با استفاده از سیستم معادله‌های پنل هم‌زمان"، فصلنامه علوم اقتصادی، سال نهم، شماره ۳۰
۳. پژویان، جمشید و مداح، مجید، (۱۳۸۵)، "بررسی اقتصادی قاچاق در ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۰
۴. جعفرزاده‌پور، فروزنده، (۱۳۸۱)، "نقش زنان در قاچاق کالا در استان هرمزگان"، تهران، مرکز پژوهش‌های ناجا.
۵. حاجی‌نژاد، علی، (۱۳۷۹)، "همایش ملی بررسی پدیده قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری آن"، (سومین همایش قاچاق کالا)، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
۶. درگاهی، حسن و قدیری، امرا...، (۱۳۸۲)، "تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی ایران با مروری بر الگوهای رشد درون‌زا، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۶
۷. دلیریور، پرویز، (۱۳۸۹)، "بررسی ساختارها و قواعد حقوقی مبارزه با فساد در چند کشور آسیایی"، دو هفته‌نامه علمی / تحلیلی سازمان بازرسی، معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع سازمان بازرسی کل کشور، سال سوم، شماره ۲۰
۸. ژرآنژاد، منصور، ابراهیمی، صالح و کیانی، پویان، (۱۳۹۲)، "برآورد حجم قاچاق کالا در ایران به روش MIMIC"، مجله علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی، سال پنجم، شماره نهم.
۹. سیف، ...مراد، (۱۳۸۵)، "بررسی پدیده قاچاق کالا در ایران"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۷۸۴۱.
۱۰. فیروزجائی، مختار، (۱۳۸۴)، "قاچاق کالا و ارز"، انتشارات قانون، چاپ اول.
۱۱. قلی‌زاده، سیدابراهیم، علی‌پور، عباس و ذوقی‌بارانی، کاظم، (۱۳۸۹)، "علل و

پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی"، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۲، شماره چهارم.

۱۲. کهنه‌پوشی، سید هادی و عنابستانی، علی‌اکبر، (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه بین فاصله از مرز و میزان درآمد و اشتغال در قاچاق کالا (مطالعه موردی بخش خاو و میرآباد- مریوان)"، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۰-۱.

۱۳. مطرانلویی، پریسا، (۱۳۹۴)، "بررسی وضعیت قاچاق کالا در ایران «اقتباس از آمارهای ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز»"، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، معاونت بررسی‌های اقتصادی، مرکز گردآوری و تحلیل آمار.

۱۴. مهرابی بشرآبادی، حسین، کوچکزاده، سمیه و تابلی، حمید، (۱۳۸۹)، "آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟ (مطالعه موردی: ایران)"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۵، شماره ۴۵.

۱۵. وطن‌پور، علی‌رضا، (۱۳۸۷)، "قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور"، فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه، دوره دوم، شماره سوم.

۱۶. ولیدی، محمدصالح، (۱۳۸۲)، "نگاهی به موقعیت و جایگاه حقوقی کیفری اقتصادی ایران"، نشریه دادرسی، ماهنامه شماره ۴۰، سال هفتم.

### منابع لاتین

1. Adam, M. and Ginsburgh, V., (1985), "The Effects of Irregular Markets on Macroeconomic Policy: Some Estimates for Belgium", *European Economic Review*, Vol. 29, Issue. 1.
2. Anam, M., (1982), "Distortion-triggered lobbying and welfare: A contribution to the theory of directly unproductive profit-seeking activities", *Journal of International Economics*, Vol. 13.
3. Asea, P. K., (1996), "The Informal Sector: Baby or Bath Water?", *Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy*, Vol. 45.
4. Askari, H., (2006), "Middle East Oil Exporters: What Happened to Economic Development?", Edward Elgar Publishing Limited, Cheltenham.
5. Bajada, C., (2005), "Unemployment and Underground Economy in Australia", *Applied Economics*, Vol. 37, No. 2.



6. Banerjee, A., Dolado, J.J., and Mestre, Ricardo, (1998), "Error-Correction Mechanism Tests for Cointegration in a Single-Equation Framework", *Journal of Time Series Analysis*, Vol. 19, No.3.
7. Bhagwati, J. N., (1964), "On the Under-invoicing Imports", *Bulletin of the Oxford University, Institute of Economics and Statistics*, Vol. 26.
8. Bhagwati, J. N. and Hansen, B., (1973), "A Theoretical Analysis of Smuggling", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 87, No. 2.
9. Bhattacharyya, D. K., (1999), "On the Economic Rationale of Estimating the Hidden Economy", *Economic Journal*, Vol. 109, Issue. 456.
10. Bovi, M. and Dell'Anno, R., (2007), "The Changing Nature of the OECD Shadow Economy", ISAE Working Paper n. 81, Institute for Studies and Economic Analyses. Italy: Rome.
11. Buehn, A. and Farzanegan, M. R., (2012), "Smuggling around the world: evidence from a structural equation model", *Applied Economics*, Vol. 44, Issue. 23
12. Chen, M. (2007), "Rethinking the Informal Economy: Linkages with the Formal Economy and the Formal Regulatory Environment", Working paper n. 46. United Nations, Department of Economic and Social Affairs.
13. Chong, A. and Gradstein, M., (2007), "Inequality and Informality", *Journal of Public Economics*, Vol. 9.
14. Dabla-Norris, E. and Feltenstein, A., (2005), "The Underground Economy and Its Macroeconomic Consequences", *Journal of Policy Reform*, Vol. 8.
15. Dandurand, Y. and Chin, V., (2004), "Links Between Terrorism and Other Forms of Crime", A report submitted to: Foreign Affairs Canada and The United Nations Office on Drugs and Crime
16. Dell'Anno, R., (2003), "Estimating the Shadow Economy in Italy: a Structural Equation Approach", Working paper 2003-7, Department of Economics, University of Aarhus, DK.
17. Dell'Anno, R., (2007), "The Shadow Economy in Portugal: an analysis with the MIMIC approach", *Journal of Applied Economics*, Vol. 10, Issue. 2.
18. Dell'Anno, R., (2008), "What is the relationship between Unofficial and Official Economy? An analysis in Latin American Countries", Dipartimento di Scienze Economiche, Matematiche e Statistiche Università degli Studi di Foggia.
19. Dell'Anno, R., Gomez, M. and Alanon, A., (2007), "Shadow Economy in three different Mediterranean Countries: France, Spain and Greece". A MIMIC Approach, *Empirical Economics*, Vol. 33, Issue. 1
20. de Soto, H., (1989), "The Other Path. The Invisible revolution in the Third World", Harper and Row, USA: New York.
21. Dickey, D. A. and Fuller, W. A., (1981), "Likelihood ratio statistics for autoregressive time series with a unit root", *Econometrica*, Vol. 49.
22. Dominguez, J. I., (1975), "Smuggling", *Foreign Policy*, No. 20.

23. Eilat, Y. and Zinnes, C., (2000), "The Evolution of the Shadow Economy in Transition Countries: Consequences for Economic Growth and Donor Assistance", CAER II Discussion Paper No. 83, Harvard Institute for International Development, Cambridge, MA.
24. Enste, D. H., (2003), "Shadow Economy and Institutional Change in Transition Countries", in: B. Belev (Eds). The informal economy in the EU accession countries: size, scope, trends and challenges to the process of EU enlargement. Centre for the Study of Democracy, Sofia.
25. Federation of Indian Chambers of Commerce & Industry, (2013), "Counterfeiting, piracy and smuggling: Growing threat to national security", Committee Against Smuggling and Counterfeiting Activities Destroying the Economy, PP. 1-40
26. Frey, B. S. and Weck-Hanneman, H., (1984), "The Hidden Economy as an "Unobservable" variable", European Economic Review, Vol. 26, Issue. 1.
27. Friedman, E., Johnson, S., Kaufmann, D. and Zoido-Lobaton, P., (2000), "Dodging the Grabbing Hand: The Determinants of Unofficial Activity in 69 Countries", Journal of Public Economics, Vol. 76.
28. Galli, R. and Kucera, D., (2003), "Informal Employment in Latin America: Movements over Business Cycles and the Effects of Worker Rights", International Institute for Labour Studies Discussion Paper, No. 145, Decent Work Research Program, ILO. Geneva.
29. Giles, D. E. A., (1997a), "Causality between the measured and underground economies in New Zealand", Applied Economics Letters, Vol. 4, Issue. 1
30. Giles, D. E. A., (1997b), "Testing for asymmetry in the measured and underground business cycles in New Zealand", Economic Record, Vol. 73, issue. 222
31. Giles, D. E. A., (1999a), "The rise and fall of the New Zealand underground economy: are the responses symmetric?", Applied Economics Letters, Vol. 6.
32. Giles, D. E. A., (1999b), "Modeling the hidden Economy in the Tax-gap in New Zealand", Working Paper 99-05, Department of Economics, University of Victoria, Canada.
33. Giles, D. E. A. and Tedds, L. M., (2002), "Taxes and the Canadian Underground Economy", Canadian Tax paper n. 106, Canadian Tax Foundation, Canada: Toronto.
34. Giles, D. E. A., Tedds, L. M. and Werkneh, G. T., (2002), "The Canadian underground and measured economies", Applied Economics, Vol. 34, Issue. 18.
35. Haken, J., (2011), "Transnational Crime in the Developing World", Global Financial Integrity.
36. Harris, J. R. and Todaro, M. P., (1970), "Migration, Unemployment, and Development: A Two Sector Analysis", American Economic Review,

- Vol. 60, Issue. 1.
37. Kaufmann, D. and Kaliberda, A., (1996), "Integrating the Unofficial Economy into the Dynamics of Post-Socialist Economies: A Framework of Analysis and Evidence", in: B. Kaminski (Ed) *Economic Transition in the Newly Independent States* (M.E. Sharpe Press. Armonk, New York).
  38. Ihrig, J. and Moe, K. S., (2000), "The influence of government policies on informal labor: implications for long run growth", *The Economist*, Vol. 148, Issue. 3
  39. Ihrig, J. and Moe, K. S., (2004), "Lurking in the shadows: the informal sector and government policy", *Journal of Development Economics*, Vol. 73, pp. 541-557.
  40. Johnson, H. (1974), "Notes on the economic theory of smuggling", *Malayan Economic Review* (1972), in: J. N. Bhagwati (ed.), reprint on *Illegal Transactions in International Trade*, Amsterdam: North-Holland.
  41. Johnson, S., Kaufmann, D. and Shleifer, A., (1997), "The unofficial economy in transition", *Brookings Papers on Economic Activity*, Issue. 2.
  42. Johnson, S., Kaufmann, D. and Zoido-Lobaton, P., (1998), "Regulatory Discretion and the Unofficial Economy", *American Economic Review*, Vol. 88.
  43. Johnson, S., Kaufmann, D. and Zoido-Lobaton, P., (1999), "Corruption, Public Finances and the Unofficial Economy", *World Bank Working Paper*. N. 2169.
  44. Kar, D. and Spanjers, J., (2015), "Illicit Financial Flows from Developing Countries: 2004-2013", *Global Financial Integrity*.
  45. Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M., (2007). "Governance Matters VI: Governance Indicators for 1996-2006", *World Bank Policy Research* June 2007, <http://info.worldbank.org/governance>.
  46. Khan, M. S., and Reinhart, C. M., (1990), "Private investment and economic growth in developing countries" *World Development*, Vol. 18, Issue. 1.
  47. Krueger, A. (1974), "The Political Economy of the Rent-Seeking Society", *American Economic Review*, Vol. 64, Issue. 3.
  48. Lichtenwald, T. G., (2003), "Drug Smuggling Behavior: A Developmental Smuggling Model", *The Forensic Examiner*
  49. Loayza, N. V., (1996), "The economics of the informal sector: a simple model and some empirical evidence from Latin America", *Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy*, Vol. 45.
  50. Lubell, H., (1991), "The Informal Sector in the 1980s and 1990s", Paris: OECD.
  51. Mankiw, N., Romer, D. and Weil, D., (1992), "A Contribution to the Empirics of Economic Growth", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 107,
  52. Mihai, M., (2008), "Shadow Economy, Economic Growth and Labor Market, Romanian Case", *West University of Timisoara*.
  53. Moser, C. N., (1978), "Informal sector or petty commodity production:

- Dualism or independence in urban development", *World Development*, Vol. 6.
54. Ott, K., (2002), "The Underground Economy in Croatia", Occasional paper n. 12, Institute of Public Finance, Croatia (<http://www.ijf.hr/ops/PDF/ijf-ocp12.pdf>).
55. Pesaran, M. H. and Shin, Y., (1999), "An Autoregressive Distributed Lag Modeling Approach to Cointegration Analysis", centennial volume of ragnar Frisch, eds. S. Strom, A. Holly and P Diamond, Cambridge University Press, Cambridge (forthcoming).
56. Pitt, Mark M., (1981), "Smuggling and price disparity", *Journal of International Economics*, Vol. 11, Issue. 4.
57. Portes, A., Castells, M. and Benton, L. A., (1989), "The Informal Economy: Studies in Advanced and Less Developed Countries", Johns Hopkins University Press: Baltimore.
58. Schneider, F., (2003), "The development of the Shadow Economies and Shadow Labor Force of 22 Transition and 21 OECD Countries", IZA discussion paper, n. 514. Institute for the Study of Labor: Bonn.
59. Schneider, F., (2005), "Shadow economies around the world: what do we really know?", *European Journal of Political Economy*, Vol. 21.
60. Schneider, F., (2007), "Shadow Economies and Corruption all over the World: New Estimates for 145 Countries", *Economics: The Open-Access, Open-Assessment E-Journal*, No. 2007-9.
61. Schneider, F., Buehn, A. and Montenegro, C. E., (2010), "New Estimates for the Shadow Economies all over the World", *International Economic Journal*, Vol. 24, No. 4.
62. Schneider, F. and Hametner, B., (2007), "The shadow economy in Colombia: size and effects on economic growth", Working Paper 2007-03, Department of Economics, Johannes Kepler University Linz, Austria.
63. Schneider, F. and Hametner, B., (2014), "The shadow economy in Colombia: size and effects on economic growth", *Peace Economics Peace Science and Public Policy*, Vol. 20, Issue. 2.
64. Schneider, F. and Klinglmaier, R., (2004), "Shadow Economies around the World: What Do We Know?", CESifo Working Paper No. 0403. Center for Economic Studies and Ifo Institute for Economic Research: Munich.
65. Schneider, F. and Klinglmaier, R., (2006), "Shadow Economy – causes, size and dynamic effects", *Open Republic*, Vol. 2, issue. 2, (<http://www.openrepublic.org>).
66. Sheikh, M., (1974), "Smuggling, Protection and Welfare", *Journal of International Economics*, Vol. 4, No. 4.
67. Tanzi, V., (1999), "Uses and Abuses of Estimates of the Underground Economy", *The Economic Journal*, Vol. 109, No. 456.
68. Tedds, L. M., (2005), "The Underground Economy in Canada", in: C. Bajada and F. Schneider (Eds.), *Size, Causes and Consequences of the*

- Underground Economy (Ashgate Publishing: UK).
69. Thomas, J., (1992), "Informal Economic Activity", LSE Handbooks in Economics, University of Michigan Press. USA: Ann Arbor.
  70. Turnham, D., Salomé, B. and Schwarz, A., (eds.), (1990), "The Informal Sector Revisited", (Development Centre Seminars), paris, OECD Development Centre.
  71. World Bank Group, (2016), "Doing Business 2016: Measuring Regulatory Quality and Efficiency.
  72. Zaman, G. and Goschin, Z., (2015), "Shadow economy and economic growth in Romania. Cons and pros", Procedia Economics and Finance, Vol. 22.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی